

مطالعه تطبیقی کتیبه قالی وقفی و منابع مکتوب درباری، با محوریت شناخت شخصیت تقی خان درانی، حاکم کرمان در عصر زندیه (۱۲۰۹-۱۱۶۳ هجری)^۱

سمانه کاکاوند^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۰۵

چکیده

پژوهش حاضر باهدف مطالعه فرش به‌عنوان یک سند تاریخی در ارتباط با شخصیت تقی خان درانی انجام یافته است. منابع بسیاری به بررسی تاریخ کرمان عصر زندیه پرداخته و به سبب اهمیت حکومت تقی خان، به وی نیز توجه شده است. رویکردهای گوناگونی نسبت به شخصیت او در میان این منابع وجود دارد. برخی به سجایا و بعضی دیگر به رذایل اخلاقی او پرداخته‌اند. این مقاله با دو هدف معرفی کارکرد اسنادی قالی و تحلیل متن-بافته‌های مندرج بر قالی وقفی عصر زندیه، در راستای شناخت شخصیت تقی خان درانی از یک‌سو و تطبیق یافته‌ها با منابع مکتوب و درک واگرایی رویکردها به حاکم کرمان به رشته تحریر درآمده است. لذا، مساله پژوهش، معرفی اهمیت قالی به‌عنوان سند تاریخی با مصداق شخصیت تقی خان درانی است. درک علت ناهمگونی آرا در شناخت شخص نام‌برده در قالی وقفی و سایر منابع مدنظر است. ضرورت پرداختن به چنین موضوعی، اهمیت تاریخی داشته و موجب توسعه منابع مکتوب عصر زندیه (۱۲۰۹-۱۱۶۳ ه.ق.) می‌شود که فقدان پژوهش، همواره، بدان زیان رسانیده است. گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای انجام شده و با رویکرد توصیفی، تطبیقی و تحلیلی بدان پرداخته شده است؛ در ضمن، پژوهش از نوع مطالعات اسنادی است. به نظر می‌رسد قالی، علاوه بر کاربرد و اغنای حس زیبایی‌شناسی، می‌تواند کارکرد اسنادی هم داشته باشد. فرضیه دیگر این‌که، شخصیت تقی خان درانی بازتابی متفاوت در میان متون درباری، تاریخ کرمان و کتیبه قالی وقفی عصر زندیه دارد. سروده موجود در کتیبه قالی، دال بر کارکرد تبلیغاتی دست‌بافته است.

واژگان کلیدی: کتیبه قالی وقفی، زندیه، تقی خان درانی، منابع مکتوب درباری

مقدمه

برای درک تاریخ محلی، پرداختن به منابع درباری کافی نیست و سایر آثار و متون نیز می‌تواند مدنظر قرار گیرد. مطالعه تاریخی نگاهی جامع‌الاطراف، بینامتنی و تطبیقی می‌طلبد. تاریخ‌نگاری در حوزه عصر زندیه همواره، با کاستی و نقصان روبه‌روست. صرف‌نظر از دوره افشاریه، قرار گرفتن در میان دو دوره طولانی صفویه (۱۱۳۵-۹۰۷ ه.ق.) و قاجار (۱۳۴۳-۱۲۱۱ ه.ق.)، بهانه‌ای برای عدم التفات مورخان به دوره زند بوده است. ناگفته نماند که کوتاهی مدت دوران نام‌برده نیز می‌تواند دلیلی دیگر باشد. در این میان، کتاب‌ها و مقالاتی به رشته تحریر درآمده؛ اما منابعی که جزئی‌نگر و ژرف‌پژوه باشند، اندک و انگشت‌شمارند. بیش‌تر منابع واقعه‌نگاری‌ها دستوری و درباری هستند. شوربختانه راستی‌آزمایی و حقیقت‌سنجی محتوای این آثار صعب و دشوار می‌نماید. نگارنده در راستای انجام تحقیقات خود با تضادهای چشم‌گیری در معرفی شخصیت تقی‌خان درانی^۱، حاکم کرمان در عصر زندیه، روبه‌رو شد. لذا، مطالعه تطبیقی منابع با رویکرد شناخت هر چه بیش‌تر وی، هدف اصلی پژوهش است؛ اما نکته حایز اهمیت این‌که، علاوه بر اسناد کاغذی، سند بافته‌ای در قالب قالی نیز وجود دارد. پس هدف دیگر، معرفی کارکردی نو از دست‌بافته، تحت عنوان «اسنادی» است. قالی مورد مطالعه از بافته‌های کرمان در عصر زندیه است که هم‌اکنون، به شماره ثبتی ۲۰۲۹۴ در موزه ملی ایران نگاهداری می‌شود. تقی‌خان درانی در منابع درباری عصر زندیه به‌گونه‌ای شناسانده شده، در کتاب‌های تاریخ کرمان به نحوی دیگر و قالی وقفی هم پیامی گویا و متفاوت دارد. البته، نگارنده، هیچ ادعایی در شفافیت و راستی تعاریف و مطالب پرداخته‌شده حول محور شخصیت تقی‌خان ندارد؛ و صرفاً، نگاهی اسناد پژوهانه و فارغ از نگاه ارزشی برگزیده است. پژوهش پیش‌رو می‌کوشد تا با رویکرد تطبیقی، تاریخی و تحلیلی به این پرسش‌ها پاسخ گوید: (۱) آیا قالی مورد مطالعه، اطلاعات اسنادی قابل توجهی در شناخت شخصیت تقی‌خان درانی دارد؟ (۲) بافته نام‌برده نوعی کارکرد تبلیغاتی داشته و نقش اسنادی در معرفی سجایای واقف، ایفا می‌کند؟ (۳) علل تفاوت در رویکرد منابع درباری و متن کتیبه قالی در شناخت تقی‌خان چیست؟ داده‌های مورد نیاز با استفاده از فیش و یادداشت‌های مبتنی بر مطالعات

کتابخانه‌ای به‌دست‌آمده و توصیف و تحلیل اطلاعات بر اساس فرضیات نگارنده انجام شده است. ثبت و نگارش یافته‌های حاصل از مشاهدات قالی مورد پژوهش نیز بخش عمده‌ای از نوشتار را شکل داده و اساس نتیجه‌گیری است. شناخت حاکم کرمان در زمان کریم‌خان زند، تقی‌خان درانی، بر مبنای دیدگاه نویسندگان عصر زندیه، ابتدای دوران قاجار و شاعر سروده موجود در کتیبه قالی وقفی و مطالعه تطبیقی آرای آنان شاکله نظری مقاله را شکل خواهد داد.

پیشینه پژوهش

نگارنده، مقاله‌ای در این زمینه تحت عنوان «خوانش لایه‌های صریح و ضمنی قالی وقفی عصر زندیه» (۱۳۹۵) دارد که به ابعاد گوناگون و محتوای نوشته‌های موجود در کتیبه قالی وقفی عصر زندیه پرداخته؛ اما تأکیدی بر تحلیل ابعاد شخصیت تقی‌خان درانی نیست. زهره روح فر (۱۳۷۴)، در مقاله «معرفی یک قالی وقفی از مجموعه موزه ملی ایران» نیز پیش‌تر از این، قالی مذکور را معرفی نموده است. مقاله نام‌برده به شیوه‌ای توصیفی تنها به شرح شناسنامه‌ای و ظاهری قالی پرداخته است. برخی مقالات نیز کتیبه‌های قالی را مورد مطالعه قرار داده‌اند. میرزایی (۱۳۸۸)، در مقاله «کتیبه قالی‌ها به‌مثابه یک متن» به‌صورت کلی، کتیبه را تعریف و آن را دسته‌بندی کرده است. وی تفاوت‌های کتیبه ابنیه را با قالی برشمرده و تزیینات موجود در کتیبه‌ها را مطالعه نموده است. سپهر (۱۳۹۴)، در کتاب «کرمان در دوره افشاریه و زندیه» به ذکر تاریخ کرمان پرداخته و در این اثنا، ابعاد گوناگون حکومت تقی‌خان را مطالعه و از آن یاد نموده است. این منبع به سبب این‌که منابع گوناگون مرتبط با شخصیت تقی‌خان را نقد نموده، ارتباط بسیاری با پژوهش پیش‌رو دارد. مظهری کرمانی (۱۳۹۱)، در رمان تاریخی «شاهین کویر: حماسه تقی‌خان درانی»، زندگی تقی‌خان درانی را در قالب داستان بازگو می‌کند. اگرچه نویسنده، رمان را بر پایه تحقیقات تاریخی نوشته؛ اما به هر ترتیب در رسته متون علمی لحاظ نمی‌شود. به‌جز موارد مذکور، به سبب اهمیت کرمان در عصر زندیه و شورش تقی‌خان، بسیاری از منابع دست‌اول و اصیل زندیه، همین‌طور منابع مکتوب پس از زندیه به داستان وی اشاره کرده‌اند. تاریخ گیتی‌گشا در تاریخ زندیه و گلشن مراد از آن جمله‌اند. تحلیل محتوای منابع، در متن

نوشتار با عنایت به رویکرد اتخاذ شده نسبت به تقی خان درانی صورت پذیرفته است.

تقی خان درانی

تقی خان درانی حاکم کرمان در عصر زندیه بود که در پی ماجراها و حوادثی عجیب به حکومت کرمان دست می‌یابد. خلاصه داستان از این قرار است که، به دستور و انتخاب کریم خان زند، خدامرادخان زند به حکومت کرمان می‌رسد. در یکی از روزها، تقی خان درانی - که شکارچی و نیز زغال فروش بوده - جانوری را که شکار کرده بود، تقدیم حاکم می‌کند. وی در قبال هدیه، منتظر انعام و پاداش می‌ماند؛ اما نه تنها برآورده نمی‌شود، بلکه مورد آزار و اذیت یسلولان دربار خدامرادخان قرار می‌گیرد. این موضوع جرقه‌های خشم و دادخواهی تقی خان را روشن نموده و تلاش می‌کند که حکومت کرمان را در دست گیرد....

متون درباری در خصوص تقی خان درانی

الف) گلشن مراد

غفاری^۲ در کتاب تالیفی خود «گلشن مراد» پرداخته متفاوت به ماجرای «تقی خان درانی» دارد. در ایران، هیچ‌گاه تواریخ درباری، مستند و حقیقت‌گرا نبوده و همواره، مطابق میل حاکم وقت و بنا به مصلحت روزگار به رشته تحریر درآمده است. منابع سفارشی دربار همچون «تاریخ گیتی گشا»^۳ نیز از این قاعده مستثنی نیست. گلشن مراد از جمله کتاب‌هایی است که نگرشی منفی به شخصیت تقی خان دارد. «توصیفات غفاری از تقی خان درانی را شاید بتوان به دلیل ملاحظه‌کاری‌اش نسبت به زندیان دانست» (سپهر، ۱۳۹۴: ۲۱۷). به عقیده غفاری، تهور و شجاعت تقی خان درانی مدیون فرصتی است که شاهرخ خان افشار^۴ برای وی فراهم آورده بود. «پیش از او شکاربانی و شاهرخ در مقام ترقی او برآمده، شخص فساد انگیزش را در میانه تفنگچیان دران به رتبه پنجاه باشی‌گری رسانیده بود...» (غفاری کاشانی، ۱۳۶۹: ۱۵۰). دوران حکومت تقی خان را نیز از همین منظر تحلیل نموده و این‌گونه می‌پندارد که تقی خان، بنده‌پروری شاهرخ خان افشار را دیده بود؛ پس، به‌رسم طمع، همین توقع را از خدامرادخان زند داشت. «بنا بر اندک ترقی - که در زمان دولت شاهرخ خان و قلیل تسلطی - که در آن دوران یافته بود، تصور نمود که اگر به کرمان شتابد، شاید که از جانب خدامرادخان زیاده از ایام شاهرخ خان تربیت و ترقی

یابد...» (همان: ۱۵۲). غفاری، بخشی از رویداد را همچون سایر منابع نوشته و به آوردن شکار توسط تقی خان برای شخص خدامرادخان و انتظار انعام و پاداش اشاره می‌کند؛ اما از میانه ماجرا تغییرات چشم‌گیری میان محتوای متنی گلشن مراد و سایر کتب به چشم می‌خورد. به‌طور نمونه، اشاره به چیدن نردبان‌ها در اطراف شهر و تصرف برج‌ها مشمول این قاعده است. «در یکی از قرای حوالی شهر، نردبان‌ها ترتیب داده و در نیم شبی به کنار شهر آمده، نردبان‌های مذکوره را به‌ظاهر دیوار حصار و قدم به فراز دیوار نهاده بروج شهر را متصرف و ...»؛ به‌طور کلی، ذکر طغیان و شورش تقی خان به قلم غفاری تفاوت بسیاری با سایر متون دارد. اتفاق نظر بیش‌تر مورخان بر پاره‌ای از جزئیات رویداد و افتراق رای غفاری، نشان از سوگیری وی نسبت به تقی خان و مشخص نمودن خطمشی وی به‌عنوان کاتبی درباری دارد. از دیگر، مواردی که غفاری به‌عنوان محورهای بخت آوری تقی خان درانی یاد می‌کند این‌که، زمانی تقی خان حکومت ولایت کرمان را در دست می‌گیرد که کریم خان زند مشغول سامان‌دهی امور آذربایجان بوده و تقی خان از این فرصت سواستفاده می‌نماید. «و چون امر کرمان در این چند سال به علت اشتغال در تمشیت آذربایجان و بعضی وقایع دیگر در معرض تعویق افتاده و تقی درانی غنیمت شمرده، زیاده از حد قدم از مرحله صواب و طریقه حساب بیرون نهاده بود...» (همان: ۲۵۳).

ب) تاریخ گیتی گشا

تاریخ گیتی گشا منبع دست‌اول وقایع‌نگاری تاریخی - درباری عصر زندیه است که با قلم میرزا محمدصادق موسوی نامی اصفهانی به رشته تحریر درآمده است. به نظر می‌رسد موسوی نامی اصفهانی، از آن‌جاکه کاتب و مورخ دربار بوده، قلمی آزاد و مستقل نداشته است. وی از پرداختن به برخی جزئیات خودداری نموده و مخاطب با تاریخی مستند نگارانه روبه‌رو نمی‌شود. وی در کتابش شرح رویدادهای کرمان و داستان تقی خان را آورده است. ابعاد گوناگون ماجرا دیده نشده و مورخ آن را به‌طور کامل به رشته تحریر نیاورده است. به‌طور مثال، هیچ اشاره‌ای به موضوع «آوردن شکار از سوی تقی خان برای خدامرادخان و ندادن انعام» نکرده و با اتخاذ رویکردی جانب‌دارانه خدامرادخان را ستایش و تقی خان را این‌گونه معرفی می‌کند: «بعد از چندی تقی نام که از اهالی کوهستان کرمان و مردم قریه مسمی به دران بود، گروهی از بهایم سیرتان کوهستان

و بعضی از اراذل رجال کرمان و برخی سفله‌وشان - که پیوسته در طلب شورش و همواره، در تمنای غوغا می‌باشند- هم‌داستان گردیده... و بی‌خبر از کید روباہ‌وشان بودند... خدامرادخان و سایر لشکریان از کید آن تعالباخبر و به جهت... «موسوی نامی اصفهانی، ۱۳۹۰: ۱۵۲). موسوی نامی از سویی دیگر با حذف برخی جزئیات به ذکر نکاتی که دال بر شرارت و دون‌مایگی تقی‌خان بوده، مبادرت ورزیده است. در جای‌جای متن نویسنده و مورخ درباره زندیه، تقی‌خان را از اراذل دانسته و کم‌تر از او با نام «تقی‌خان» یاد می‌کند. نویسنده، همواره، او را طاعی و بهایم سیرت و... می‌داند. در بخشی از متن، ذیل کتابت وقایع سفر کریم‌خان زند، وکیل‌الرعیاء، به اصفهان می‌نویسد: «در حالتی که همای ظفر جناح رایت فتح آیت از دارالسلطنه اصفهان عازم حرکت و متوجه سفر فرخنده اثر بودند، تنبیه تقی‌درانی و طاغیان کرمانی مذکور، منظور نظر و خاطر فیض مبنای گردید» (همان). در سایر قسمت‌های کتاب نیز این رویه مستدام است چنان‌که آورده: «آن جماعت وحشی صفت کوه‌نورد و آن فرقه بهایم طینت کنارگرد^۵ را به اختیار یا به‌اکراه سپر راه نمایند» (همان). دیگر صفحات و اوراق تاریخ گیتی گشا نیز مواردی از رویدادهای مربوط به تقی‌خان درانی را با محتوایی مشابه، به خود اختصاص داده است. «محمدامین خان گروسی^۶ و امیرگونه خان افشار طارمی^۷ به‌اتفاق یک‌دیگر مامور تسخیر دارالامان کرمان و تنبیه مردمی که رایت ضلالت برافراشته وارد اعمال و بلوکات کرمان شدند» (همان: ۱۷۲). در نهایت، در شرح رویدادهای سال‌های ۱۱۷۸ و ۱۱۷۹ ه. ق. و به دار کشیده شدن تقی‌خان، این‌گونه نوشته شده: «حشرات کوهستان اراذل و الواط کرمان دست غارت بر خانه‌های سپاه و اسباب و اموال آن‌ها دراز کرده و لوازم یغماگری آغاز کردند» (همان: ۱۷۸). که به چپاول‌گری تقی‌خان و یارانش اشاره نموده و ایشان را چون آفت می‌داند. مطلب نهایی در باب تقی‌خان، پیرامون مرگ و سزای اوست. «با سپاه کینه‌خواه ریاحین و ازهار به فرمان‌فرمایی تازه فروردین روانه دارالامان باغ و خان لآبالی از خود خالی بهمن را که خونی نوباوگان گلشن بود، پالهنک خواری برگردن، به حضور قهرمان گیتی‌ستان اردیبهشت کشیده، به سزای خود رسیده...» (همان: ۱۸۰). تحلیل رویکرد درباری‌ترین و رسمی‌ترین نویسنده و مورخ عصر زندیه

نشان از آن دارد که متون تاریخی این‌چنینی، خالی از غرض‌ورزی نبوده و سبک و نگاهی آزاد منشا نندارند.

قالی وقفی عصر زندیه

قالی، صرفاً، زیراندازی ساده نبوده؛ بلکه در ادوار گوناگون متناسب باهدف تولیدکننده و یا سفارش‌دهنده کارکردی اسنادی هم داشته است. قالی وقفی عصر زندیه (تصویر ۱)، علاوه بر این‌که سندی محکم در سبک‌شناسی قالی این دوره در شهر کرمان لحاظ می‌شود، شناسه تاریخ‌دار بافته اطلاعات ارزشمندی درباره شاعر، شیوه مداحی و ثناگویی نسبت به تقی‌خان درانی را نیز بازگو می‌کند. از سویی دیگر، با توجه به وقف قالی به آستان امام‌زاده زید^۸، کتیبه قالی دال بر جایگاه رفیع بقعه متبرکه بوده و قالی موردنظر، تنها نمونه قالی کتیبه‌دار یافت شده از عصر زندیه است. دست‌یافته با دارا بودن کتیبه (تصاویر ۲ و ۳)، مستندی در تاریخچه قالی دوران زندیه (۱۲۰۹-۱۱۶۳ ه. ق.) محسوب می‌شود.



تصویر ۱- قالی وقفی (نگارنده).



اسم تقی‌خان بر اثر پوسیدگی قالی
کمرنگ شده است

تصویر ۲- کتیبه قالی وقفی زندیه، ابعاد: ۱۷۲×۴۹۶ سانتی‌متر، موزه ملی ایران (URL1).



تصویر ۳- کتیبه قالی وقفی زندیه، ابعاد: ۱۷۲×۴۹۶ سانتی‌متر، موزه ملی ایران (URL1).

محل بافت قالی، به استناد مدارک و شواهد استان کرمان و ابعاد قالی، ۴۹۶ در ۱۷۲ سانتی‌متر است. گره به‌کار رفته در قالی نامتقارن یا فارسی^۱ بوده و جنس آن از الیاف پشم است. در خصوص طرح و نقشه آن اظهارات گوناگونی موجود است. برخی این گروه از طرح‌ها را باغی، بعضی بندی، خشتی و دسته‌ای نیز مشبک دانسته‌اند؛ اما هیچ‌یک از این تعاریف، تبیین و ضدیتی باهم ندارند. طرح آن در گروه بندی لوزی بوده و بنا به نام‌گذاری هر لوزی به عنوان خشت و قاب می‌تواند در رسته خشتی و یا قاب قالی قرار گیرد. در میان هر قاب، یک درختچه یا دسته‌گل بافته‌شده است. چیدمان نقوش، شبیه کرت‌بندی باغ ایرانی است. بحث در خصوص رنگ‌های موجود در قالی به سبب از بین رفتن پرزها و یوسیدگی آن، سخت و دشوار است؛ اما این‌طور که از ظاهر کنونی قالی به نظر می‌رسد، زمینه متن سورمه‌ای با شبکه لوزی‌هایی به رنگ نخودی گرم و گل‌های آبی، لاجوردی و قرمز بوده و متون نوشتاری در زمینه قالی و حاشیه آن موجود است. نوشتار متن در چهار کادر نخودی به رنگ مشکی بافته‌شده و متن نوشتاری موجود در حاشیه به رنگ مشکی یا سورمه‌ای بر زمینه قرمز بافته‌شده است. نوع خط کلیه متون، نستعلیق است. خط مورب در قالب شبکه لوزی‌ها، شاخه‌ها و ساقه‌های کوچک و خط عمودی در قالب ساقه و تنه اصلی گل‌ها و درختچه‌ها و خط افقی نیز در کتیبه‌ها و خطوط حاشیه به‌چشم می‌خورد. علی‌رغم کثرت خطوط مورب، به دلیل قرارگیری در دو جهت گوناگون، تاثیر یک‌دیگر را خنثی نموده و هیچ حس تزلزل و ناپایداری به مخاطب دست نمی‌دهد. گل‌های طراحی‌شده بر نقطه اتصالات لوزی‌ها، همانند بست بوده که پایداری و استحکام بیشتری را می‌رساند. شبکه لوزی‌ها یک سطح مشبک را تشکیل داده است. اشکال موجود در قالی در دو نوع هندسی در قالب لوزی و طبیعت‌گرایانه به شکل گل‌ها و درختچه‌های کوچک است. رنگ‌های قالی با توجه به فرسودگی بیش‌ازحد، قابلیت تشخیص و تشریح دقیق ندارد؛ اما آنچه مشخص است، رنگ‌های پخته و اصیل بوده و از هر دو گروه سرد و گرم، در بردارد. بیش‌تر رنگ‌ها در دامنه رنگ‌های قالی کرمان می‌گنجد. ریتم نیز همانند سایر قالی‌های عصر زند در تکرار و همین‌طور ضرب‌آهنگ حرکت بالارونده گیاهان مفهوم یافته است؛ اما تنوع در گونه‌های گیاهی، سبب عدم یک‌نواختی در تکرار شده است. تناسب نیز میان

اشکال و شبکه هندسی و در سطح کلی قالی رعایت شده است. علی‌رغم تعداد زیاد گل‌ها، جهت هم‌سان، موجب القای حس وحدت شده است. چهار کادر مستطیلی حاوی نوشتار در چهار جهت متن قالی درج‌شده و قالی دارای دو حاشیه کوچک و پهن است. نقوش حاشیه‌های میانی مملو از نقش‌مایه‌های گیاهی و حاشیه اصلی ترکیبی از گل‌های ساده و نوشتار است. در اکثر قالی‌های اسنادی میان تصاویر، متن و کتیبه هماهنگی محتوایی وجود دارد. ارتباط و هم‌خوانی میان نوشتار و تصاویر در بیش‌تر موارد، مدنظر طراحان قالی‌های تصویری بوده است. به‌طور مثال، دستاورد مطالعه ادبیات غنایی در فرش‌های تصویری دوره قاجار برای پژوهشگران چنین بود که، «اشعار به‌کار رفته در کتیبه حاشیه‌ها، مربوط به همان داستان تصویر شده در متن است که توسط فردوسی و نظامی در شاهنامه و هفت‌پیکر به نظم درآمده‌اند» (آهنی، وند شعاری و یعقوب زاده، ۱۳۹۴: ۷۶).

کار ویژه‌های اسنادی قالی

قالی ایران، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تولیدات هنری-کاربردی در اعصار گوناگون موردتوجه بوده است. در هر دوره‌ای از تاریخ، قالی‌های فاخر تولیدشده و تاریخ فرش ایران به نمونه‌هایی این دست اشاره دارد. از دوره صفویه، قالی‌هایی مشاهده می‌شود که علاوه بر نظام تصویری، حاوی متن نوشتاری هستند؛ این متون با توجه به نیت بافنده و یا سفارش‌دهنده در بخش‌های گوناگون قالی جای گرفته است. در میان قالی‌هایی که کارکرد اسنادی دارند، برخی با تکیه بر نظام نوشتاری و گروهی دیگر با ترسیم چهره حکام، دانشمندان و بزرگان مذهبی حایز اهمیت هستند. برخی از قالی‌ها، نوشته‌هایی در قالب شعر، بعضی آیات و احادیث و گروهی، نوشتاری خاص و متناسب با مناسبت بافت قالی را نمایش می‌دهند. تمامی انواع شمرده‌شده، می‌توانند دارای نام بافنده، سال بافت و نام سفارش‌دهنده نیز باشند. محققان دیگری کتیبه‌های قالی را مطالعه نموده و بنا به سلیقه و رای خود بخش‌بندی نموده‌اند. میرزایی در مقاله خود، کتیبه‌ها را از بُعد محتوا و مضمون (نوشتاری) به سه دسته تقسیم کرده است:

۱. کتیبه‌هایی که آیات و اسما و کلام منبعث از دین اسلام را دربردارند. در بیش‌تر قالی‌های محرابی بافته‌شده در تبریز عصر صفوی مصادیق چنین

کتیبه‌هایی دیده می‌شود. قسمت فوقانی قالی پوشیده از اسم‌الله است. اسمایی چون الباسط، الرافع، الوهاب، البصیر، القهار، الغفار، المصور را می‌توان پیدا کرد.

۲. کتیبه‌های که اشعار شعرای بزرگی مانند فردوسی، حافظ، جامی و شهریار را بازمی‌نمایند. از نمونه‌های بارز این قالی‌ها، می‌توان به قالی ابریشمی زربفت ترنج دار موجود در موزه پولدی پتزولی میلان اشاره کرد که در حاشیه خود ابیاتی دارد که نمونه آن از این قرار است:

ای خوش آن فرش که در بزم مراد

سایه‌وش در قدم شاه افتاد

نمونه دیگر، قالی شیخ صفی است که هم‌اکنون در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن نگهداری می‌شود. در کتیبه قالی نام‌برده بیتی از اشعار حافظ چنین بافته شده است:

به جز آستان توام در جهان پناهی نیست

سر مرا به جز این در حواله گاهی نیست

۳. کتیبه‌هایی که امضا و سال بافت را در خود دارند. نمونه بارز آن‌ها، قالی شکارگاه میلان است که نام بافنده و سال بافت به صورت شعر در آن قید شده است:

«شد از سعی غیاث‌الدین جامی بدین خوبی تمام این کار نامی سنه ۹۲۹». هم‌چنین، قالی شیخ صفی که متن زیر را داراست: «عمل بنده درگاه مقصود کاشانی سنه ۹۴۶». نیز قالی باغی موجود در موزه ایران باستان با امضای عمل استاد نعمت‌الله جوشقانی سنه ۱۰۸۲^{۱۰} با توجه به این‌که بافندگان و ارکان تولید قالی همواره، گمنام بوده‌اند، دسته سوم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در میان نمونه‌های موجود در طبقه نام‌برده می‌توان زیر بخش‌هایی نیز تعریف نمود:

الف) قالی‌های کتیبه‌دار حاوی نام بافنده یا سفارش‌دهنده و سال بافت؛

ب) قالی‌های کتیبه‌دار حاوی نام بافنده یا سفارش‌دهنده و سال بافت و شرح مناسبت بافت. نمونه قالی وقفی مورد مطالعه نه تنها دارای اجزای بالاست، بلکه در بردارنده پیکره وقف نیز است. کتیبه قالی وقفی همانند بسیاری از وقف نامه‌ها یا قباله‌های وقف شامل نام واقف (تقی‌خان درانی)، موقوفه (یک‌تخته قالی بافته شده در سال ۱۱۷۹ ه.ق. در عصر زندیه در کرمان)، موقوف علیه (آستان مقدس امامزاده زید شهادت کرمان)، شرط وقف (نگهداری در صحن بقعه مبارکه و عدم خرید و فروش) و واسطه وقف (محمد شریف کرمانی) بوده است. تمامی موارد،

پیکره وقف در قالی را تشکیل داده‌اند. اهمیت جزییات از چند بُعد قابل بررسی است.

تاریخ وقف: برخی محققان به کم‌رنگ شدن سنت وقف در عصر زندیه اشاره دارند، درحالی‌که قالی مورد مطالعه و آثاری مشابه سندی بر رونق وقف در عصر زندیه است.

تاریخ فرش: هیچ فرهنگ و یا دائرةالمعارفی از بافندگان، سفارش‌دهندگان و سرایندگان اشعار قالی در دست نیست و بافته‌هایی از این دست می‌تواند مورد توجه باشد.

تاریخ کرمان: کتیبه نام‌برده سندی حایز اهمیت در اعتقاد مردم کرمان در عصر زندیه به امامزاده زید است. در ضمن، متن کتیبه نشان از آن دارد که مولفه کرمان و کرمانی وجه مشترک اصالت بافنده، شاعر، سفارش‌دهنده بوده و در نهایت، قرار بر وقف بافته به بقعه‌ای متبرکه در استان نام‌برده دارد.

تاریخ ادبیات کرمان: غیر از آتشکده آذر - که تذکره‌ای در ذکر شاعران است - هیچ منبعی به حاج محمد فدایی کرمانی، سراینده اشعار کتیبه، اشاره نکرده است. پس نوشته قالی گواهی بر فعالیت ادبی شاعر نام‌برده است.

تاریخ زندیه: اما مهم‌ترین خوانش از متن قالی - که مورد توجه نگارنده است - مربوط به درک ابعاد شخصیت تقی‌خان درانی، حاکم عصر زندیه است.

هدف از بافت قالی مورد مطالعه به دنبال فرمان تقی‌خان درانی، حاکم کرمان در عصر زندیه، به منظور وقف به آستان مقدس امامزاده زید^{۱۱} بوده است.

عواملی همچون پای‌بندی به سنت وقف، در تاریخ این سرزمین همواره، ریشه‌دار و پرمعناست. والتر هینتس^{۱۲} طی تاریخ‌نگاری ایلامی و ثبت وقایع در مقدمه کتاب خود می‌نویسد: «از بیش از پنج هزار

آجرنبشته [ایلامی] که در جریان این کار [حفری] به دست آمد، تقریباً، هفتاد درصد دارای متنی یک‌سان هستند...چنین متن مکرر وقفی که بر هزاران آجر

نوشته شده...» (هینتس، ۱۳۸۹: ۲۰). لذا می‌توان گفت، وقف و واقفین در ایران پیشینه‌ای به وسعت تاریخ دارند. سلاطین، حکام و پادشاهان به محض بر تخت

نشستن به امور عام‌المنفعه پرداخته‌اند. این موضوع، علاوه بر این‌که می‌توانست سبب راه‌یابی به اذهان و خاطر مردم باشد، مقبولیت افراد را دوچندان می‌نمود.

اگرچه بودند کسانی که فارغ از موارد نام‌برده، موقوفات را خدایسندانه می‌بخشیدند. گذر زمان، قضاوت در خصوص نیت واقف قالی، تقی‌خان درانی را سخت

نموده است. تحلیل درون‌متنی قالی و متکی بر اجزای نوشتاری کتیبه، نشان از رافت و نیکی تقی‌خان درانی در نزد محمد فدایی،^{۱۲} شاعر سروده موجود در حاشیه قالی، دارد. ویژگی‌های شخصیتی تقی‌خان درانی و ابعاد گوناگون آن، موجب اختلاف‌نظر در آرای تاریخ‌نویسان و شعر موجود در کتیبه قالی است. وقف قالی هم در میان اقشار کم‌درآمد و هم در بین سلاطین، حاکمان و پادشاهان رایج بوده است. به نظر می‌رسد گرایش‌های فکری هر دوره تاریخی در تعیین موقوفه تاثیرگذار بوده است.

کتیبه قالی وقفی

اگرچه طی سالیان اخیر قالی وقفی عصر زندگی آسیب‌دیده و بخش‌هایی از متن کتیبه به سبب پوسیدگی ناخواناست؛ اما کارشناسان موزه ملی متن ذیل را از کتیبه قالی خوانش نموده‌اند.

خان ذی‌رتبه تقی‌خان عرب کز دیوان خان والا
شأن تقی‌خان آن‌که گفت [کرا] ده داد و دهشش
نام فریدون را که رستمش در روز میدان مرحبا
آن امیری که به هر کار چو همت بندد بر عرب
سرخیل و سردار عجم گویدش قائد توفیق که الله
معک سرور فرمانده فرمانروا بهر فرش حرمی وقف
نمود این قالی کرده فرشی وقف این روضه بهشت
که بود... مسکن ذریه آل عبا... زید عبدالله بن
موسی که اوست تاج لولاک و لعمرك شده زیب
تارک قبله هفتم ز شرع مصطفی زید عبدالله بن
موسی کاظم که بود... چو اقرب آن جناب هفتمین
رکن ز ارکان امامت بی‌شک با امام مسند هشتم
رضا سال تاریخ چو جستم ز فدایی گفتا سال
تاریخش دلیلی بر قبول نیست قالی که برد عکس
پروبال ملک بی‌تخلف گشت مقبول رضا.

در تعریف «کتیبه»، منابع بسیاری قلم‌نگاری کرده‌اند. کتیبه سنگ‌نبشته‌ها، آجرنبشته‌ها و سایر آثار محتوا را شامل می‌شود؛ اما در لغت «دسته‌ای از سپاه و لشکر»، «گروهی از اسبان» معنی شده است (داعی الاسلام، ۱۳۶۴: ۲۰۹). [کتیبه] در اصل به معنای «نوشته» و «کتابه» بوده است که «الف» آن به «ی» تبدیل شده است (دانش یزدی، ۱۳۸۷: ۵) کتیبه‌ها درخور توجه هستند، زیرا اطلاعات این متون، دچار تحریف نمی‌شود. به‌علاوه تاریخ‌دار و مستند بوده و پیامی از گفتمان حاکم بر دوران خویش دارد. به عبارتی، اطلاع‌رسانی کارکرد اصلی کتیبه‌هاست. «اطلاعات کتیبه‌ها، بدون تغییر، دست‌به‌دست شدن، یا اصلاح و

تحریف در دسترس ما قرار می‌گیرند. حال آن‌که منقولات تاریخی با واسطه سینه‌به‌سینه و در طول قرون، با اتکا به گویندگان گزارش‌ها در کتاب منعکس و به ما منتقل می‌شوند؛ طبیعی است که ارزش این دو سند (روایات تاریخی و کتیبه‌ها) یکسان نیست. در حقیقت، کتیبه‌شناسی نوعی طراوت و تازگی در تاریخ کهن به همراه می‌آورد که پیوسته تجدید می‌شود. بدیهی است کتیبه‌ها، به‌طور جامع و کامل، تاریخ منسجم و به هم پیوسته‌ای را - که برای نسل‌های بعدی تهیه‌شده باشد- در دسترس ما قرار نمی‌دهند؛ باین‌همه وقایعی را که گزارش می‌کنند، علاوه بر شرح جزئیات، قطعی بوده و تردیدها و شک‌های تاریخی را به‌طور شگفت‌انگیزی برطرف می‌کنند» (همان: ۷). البته، از آن‌جاکه همواره، کتیبه‌ها به دستور بانیان و حاکمان خلق می‌شده، رویکردی همچون منابع درباری داشته و خالی از مدح و ثنا نیست. «توصیفات و القاب فرمانروایان و بزرگان را با تکلف و توقع زیادی در کتیبه‌ها نوشته‌اند. این القاب را می‌توان منبع اطلاعات دست‌اول تاریخی شمرد. از طرفی، مطابقت القاب شخصی خاص در کتیبه‌هایش، گویای جایگاه و شأن اجتماعی او در دوره‌ای معین است. غالباً، فرمانروا یا بزرگ‌زاده‌ای که خود در تحریر کتیبه‌ای سهیم بوده است، رقمی متواضعانه به‌کاربرده است؛ اما ملازمان رقاب، او را در توصیفات و القاب غرق کرده‌اند» (میرزا ابوالقاسمی، ۱۳۸۷: ۲۹). اصالت متن کتیبه، نکته‌ای مهم تلقی شده و حاوی اطلاعات ارزنده‌ای است. انواع کتیبه‌ها عبارتند از: فرمان، محراب، وقف، قبور و مزار. دسته‌نهایی به‌این‌علت که پس از مرگ افراد نوشته می‌شود از تملق و ستایش، دور است؛ اما در سایر نمونه‌ها، با طبقه‌بندی افراد سفارش‌دهنده به دوطبقه بانی سیاسی- حکومتی و مذهبی- غیرحکومتی، می‌توان تحلیلی دقیق‌تر داشت. دسته دوم، نگاهی متفاوت به سنت وقف داشته و عملکردی تبلیغی ندارد، اما مطالعه و تحلیل نیت گروه نخست، پیچیده و سخت است. به‌گواهی کتیبه قالی، تقی‌خان واقفی شجاع و عادل بوده، اما منابع مکتوب، عقاید گوناگونی حول رفتار و منش وی دارند. در اعصار گذشته، سنت وقف زنده و جاری بوده و تاریخ، حکایت از وقف فرش به‌عنوان موقوفه‌ای متعارف و در دسترس دارد. به لحاظ فنی و ساختاری وقف بافته مورد پژوهش حاوی اجزایی چون قصد وقف، ماده تاریخ، مکان نگهداری و نصب موقوفه همانند سایر کتیبه‌های وقفی است. تحلیل نوشتار موجود در کتیبه قالی، در کنار کتاب‌ها

و منابع تاریخی در این مقاله باهدف معرفی کارکرد ارجاعی- اسنادی بافته‌ها روی داد. قالی نام‌برده از جهات بسیاری حایز اهمیت و شایان توجه است. منابعی که به‌طور مشخص به شخصیت و اقدامات تقی‌خان درانی پرداخته باشد، اندک است؛ اما این قالی همانند کتابی است که کلماتش نه روی کاغذ، بلکه بر تارهای پنبه‌ای گره‌زده شده است. فدایی کرمانی شاعر سروده موجود در کتیبه قالی با استفاده از اسامی اسطوره‌ای و برخی عبارات تحمیدی، سعی در مدح و ستایش حاکم وقت دارد. واژگانی همانند «خان» که از پسوندهای مقامی رایج دوران است. گاهی شاعر، تقی‌خان را به قهرمانان اسطوره‌ای و شاهنامه‌ای همانند فریدون و رستم تشبیه می‌کند. یا این‌که از الفاظی چون ذی رتبه، والا شأن، صاحب داد و دهش، همت بلند استفاده کرده است. در برخی از مصرع‌ها، «فدایی» برای توصیف شجاعت، دلاوری و برای کاردانی تقی‌خان از واژگانی چون سرخیل، سردار، فرمانده و فرمانروا بهره گرفته است. قائد توفیق، الله معک، امیر نیز هریک با دارا بودن معنایی خاص، دال بر جایگاه والای تقی‌خان در شعر موجود در کتیبه قالی است.

تحلیل تطبیقی منابع درباری و قالی وقفی با محوریت تقی‌خان درانی

جدول ۱، با در نظر گرفتن مولفه‌هایی چون زادگاه، شغل، مهارت و صفات و الفاظ اطلاق به تقی‌خان در منابع درباری مانند گلشن مراد، تاریخ گیتی‌گشا، موسوی نامی و سفله‌وش، بهایم طینت کنار گرد، اشرار عذاب، الواط، لابلالی و... نشان از میزان انزجار نویسندگان نسبت به شخصیت و اقدامات تقی‌خان دارد.

کاتبان و مورخان شاغل در دربار پادشاهان ایرانی در خدمت دستگاه حکومتی بودند؛ تا وقایع و رویدادها را مطابق میل شاه، به رشته تحریر درآورند. قلم شفاف و بدون جانب‌داری به‌ندرت در میان آنان دیده می‌شود. محمدصادق موسوی نامی کاتب دربار کریم‌خان زند نیز متنی مسجع، سنگین و جانب‌دارانه در تاریخ گیتی‌گشا تنظیم نموده است. لذا، با این پیش‌فرض نمی‌توان جهت شناخت شخصیت تقی‌خان درانی

صرفاً، بدان اتکا کرد. پس اطلاعات مربوطه در کتاب نام‌برده، به‌عنوان منبعی دست‌اول، حایز اهمیت است؛ اما برای شناخت و درک عمیق از موارد کافی نیست. مورخان، می‌توانند اشیای هنری از جمله قالی را به‌عنوان سند مطالعه کنند. کتیبه قالی با دربرداشتن اشعار محمد فدایی کرمانی، مساله اتکای صرف بر منابع دست‌اول را به چالش می‌کشد. قالی بافت شهر کرمان و معاصر تقی‌خان درانی است و از سویی، تاریخ گیتی‌گشا را موسوی نامی به دستور و با نظارت کریم‌خان زند نوشته است؛ یعنی تولید محصول یک‌بار در قالب قالی و باری دیگر در کالبد کتاب و تقی‌خان درانی سفارش‌دهنده قالی و کریم‌خان، ناظر تاریخ عصر زندیه بوده است. در جدول ۲، تطبیق موارد مورد مطالعه قابل مشاهده است.

جدول ۱. صفات، زادگاه و آرای مکتوبات در خصوص شخصیت تقی‌خان درانی (نگارنده).

منابع / نویسنده	زادگاه	شغل / مهارت	صفات و الفاظ اطلاق به تقی‌خان درانی	رأی و دیدگاه نسبت به شخصیت تقی‌خان
گلشن مراد: ابوالحسن غفاری	دران	شکاربان شکارچی	مردی فساد اندیش و استعلای هوای نفس سرکشش از اندازه بیش و زیاده از قدر و پایه‌ی خویش بود...	منفی
تاریخ گیتی‌گشا: موسوی نامی	دران	شکار	بهایم صفت، ارادل، سفله‌وش، روباه‌وش، وحشی صفت کوهنورد، بهایم طینت کنار گرد، اشرار عذاب، الواط، لابلالی و...	منفی
قالی وقفی: فدایی کرمانی	دران	حاکم	خان ذی رتبه، خان والا شأن، فریدون و رستم زمان، امیر، سرخیل عرب و سردار عجم، فرمانده فرمانروا	مثبت

همان‌طور که در جدول ۲ آمده، تطبیق قالی و کتاب گیتی‌گشا در تاریخ زندیه موارد بسیاری را آشکار می‌کند. این‌که برای دستیابی به هدف سفارش‌دهنده، مولف و یا خالق آثار در ایران، نمی‌توان قطعیت و اطلاق در نظر

داشت. چراکه شفافیت و واقع‌نگاری در متن کتیبه قالی و کتاب دیده نشده و هر دو در لفافه‌ای از مدح و ثنای حاکم و شاه پیچیده شده است. جلب رضایت سفارش‌دهنده (تقی‌خان در قالی و کریم‌خان در کتاب) مهم‌ترین قصد و هدف شاعر در قالی و مورخ در کتاب بوده است. تعمیم این نتیجه به کتاب گلشن مراد و نثر ابوالحسن غفاری نیز قابل‌مطالعه و ردیابی است؛ زیرا وی نیز یا سبک تاریخ‌نگاری درباری قلم‌فرسایی نموده و سجع خاصی دارد. تطبیق منابع، نشان از آن داشت که برای شناخت شخصیت‌های تاریخی، نمی‌توان به کتابی بسنده کرد؛ و مشاهده شد که سراینده شعر کتیبه قالی نیز به معرفی ثناگو نه واقف خود پرداخته و این‌گونه بیان می‌دارد که افراد با میزان قدرت و امکانات در دسترس می‌توانند دستور به خلق آثاری دهند که درنهایت ذی‌نفع باشند.

جدول ۲. قالی وقفی و تاریخ گیتی گشا از منظر مولفه‌های مشخص تطبیقی (نگارنده).

نمونه‌های مورد مطالعه مؤلفه‌های تطبیق	قالی	تاریخ گیتی گشا	مطالعه تطبیقی با رویکرد اشتراکی	مطالعه تطبیقی با رویکرد افتراقی
سابقه	تقی‌خان درانی	کریم‌خان زند	حاکم / پادشاه سفارش‌دهنده داشته است.	هر دو یک میزان قدرت قیاس منطقی نیست؛ چراکه تقی‌خان حاکمی محلی بوده و کریم‌خان شاه کشور.
زمن	زائرین امام‌زاده زید کرمان	در هر دو مورد جلب توجه مخاطب مدنظر هر دوره	مخاطبان و مصرف‌کنندگان قالی بیشتر هم‌عصر تقی‌خان و در نهایت تا زمان پهن بودن قالی در بقعه متبرکه بوده‌اند.	از نظر حیطه اختیارات و میزان قدرت قیاس منطقی نیست؛ چراکه تقی‌خان حاکمی محلی بوده و کریم‌خان شاه کشور.
مکان	جلب رضایت مردم، تبلیغات، حمایت طلبی، افزایش مقبولیت	مستند نگاری وقایع بارنگ و لعاب و تملق، حاکم، افراطی و اغراق‌آمیز است.	در نوشتار هر دو متن پرداخت به سجاایا و خصائل کریم‌خان همچون سایر پادشاهان ایران آیندگان را مخاطب قرار داده؛ تا بدانند در عصر زندیه تاریخ چگونه رقم خورده. اگرچه شیوه تاریخ‌نگاری و محتوای کتاب به خواست و نظر شاه مرقوم و تنظیم شده است.	تقی‌خان قالی را وقف نموده تا در میان مردم هم‌عصر خود محبوبیت بیشتری داشته باشد؛ و یا قالی را رسانه‌ای تبلیغاتی محسوب نموده و شاید هم اعتقادات مذهبی وی تأثیرگذار بوده است؛ اما کریم‌خان همچون سایر پادشاهان ایران آیندگان را مخاطب قرار داده؛ تا بدانند در عصر زندیه تاریخ چگونه رقم خورده. اگرچه شیوه تاریخ‌نگاری و محتوای کتاب به خواست و نظر شاه مرقوم و تنظیم شده است.
شخصیت	سراینده اشعار کتیبه: حاج محمد فدایی کرمانی	محمدصادق موسوی نامی	به نظر می‌رسد هر دو مؤلف تحت فرمان سفارش‌دهنده بوده‌اند.	حاج محمد فدایی کرمانی شاعری گمنام و کم‌تر شناخته‌شده است که تنها در برخی تذکره‌ها از وی یاد شده است؛ این در حالی است که موسوی نامی کاتب شهیر دربار کریم‌خان زند بوده است.

نتیجه‌گیری

به‌طور کلی، ضدیتی در آرا و شخصیت‌پردازی‌های مربوط به تقی‌خان درانی در منابع درباری تاریخ زندیه و قالی وقفی دیده می‌شود. بیش‌تر کتاب‌هایی که نثری آزاد نداشته و به‌صورت سفارشی از سوی دربار به رشته تحریر درآمده، تقی‌خان را فردی طاغی، باغی و شورشی معرفی نموده‌اند. کاتبان شاغل دربار در هر دوره‌ای، پایبند به الگوی تاریخ‌نگاری روش‌مند نبوده، بلکه بیش‌تر ذکر مدح و ثنای شاه و جلب رضایت وی را محور قرار داده‌اند. درحالی‌که، قالی وقفی، به‌عنوان سند-یافته، نگاهی متفاوت دارد. اگرچه قالی وقفی به دستور تقی‌خان بافته‌شده و همانند متون تاریخی درباری خالی از مدیحه‌سرایی سفارش‌دهنده نیست. بنا به محتوای شعری کتیبه قالی وقفی، تقی‌خان انسانی شریف، اصیل، شجاع و واقف است؛ اما از آن‌جاکه مطالعه جوانب گوناگون، ژرف‌نگری را به همراه خواهد داشت، لذا، در نظر داشتن رویکرد کتیبه قالی، به‌عنوان بازتاب‌دهنده خصایل و منابع درباری در جایگاه آینه ردایل تقی‌خان درانی، محقق را وادار به نفی قطعیت‌گرایی تاریخ می‌کند. از سویی دیگر، به نظر می‌رسد دست‌بافته کارکردی تبلیغاتی داشته و ارتقای سطح مقبولیت و محبوبیت در بین طرفداران و به‌طور کلی مردم، هدف بوده است. پیوند معنادار و هم‌گرایی میان این سند- یافته و کتاب‌های تاریخ عصر زندیه وجود ندارد. این موضوع نشان از آن دارد که کاتبان، مورخین و عاملان هنرمندی که به دستور حاکمان قلم زده و یا اثری را خلق نموده‌اند، در نگارش و بازگویی حقایق تعلق داشته‌اند. جلب رضایت مافوق، کسب درآمد بیش‌تر و دریافت پاداش، مهم‌تر از انتقال حقایق تاریخی بوده است. لذا، بر پژوهندگان است که روشی جامع‌الاطراف و پوشا در مطالعه تاریخ به‌کارگیرند؛ زیرا علم به تاریخ، زمانی میسر می‌شود که شیوه‌ای موزاییکی اتخاذ شود و همه منابع پس از خوانش، تحلیلی غربالگرانه شود؛ تا رسالت عبرت‌آموزی تاریخ محقق شده و خطاهای پیشینیان تکرار نشود. در این پژوهش، سعی شد تا کارکردی متفاوت از زیرانداز، دیوار آویز و سایر کاربری‌های معروف و چیدمانی قالی معرفی شود. قالی کتیبه‌دار با دارا بودن اطلاعات و اندوخته‌های متنی در جایگاه سندی دست‌اول قابل‌مطالعه است. فارغ از ارزش‌گذاری، قضاوت و اطلاع از صفات نیک و بد شخصیت‌های تاریخی، شناخت آنان و اطلاع از تفکر، اقدامات، خطاها و خدمات‌شان بسیار پرفایده است. برای تحلیل و مطالعه تاریخ کرمان عصر زندیه، تقی‌خان و مسایل مربوط به او اصل بوده و دراین‌باره، قالی وقفی بافته‌شده به دستور وی حاوی اطلاعات ارزشمندی است.

پی‌نوشت‌ها

- ^۱ دران (با ضم د و تشدید راء) دهی است از دهستان هرچند/هرچند، در ۷۵ کیلومتری شمال کرمان، ناحیه‌ای است کوهستانی و سردسیر.
- ^۲ «ابوالحسن‌خان غفاری کاشانی»، مشهور به «غفاری مستوفی»، نقاش و مورخ عصر زندیه است. ابوالحسن خان پسر میرزا معزالدین محمد و از منشیان دربار کریم‌خان بوده است.
- ^۳ تاریخ گیتی گشا، کتابی درباره تاریخ عصر زندیه است.
- ^۴ شاهرخ میرزا یا شاهرخ افشار (۱۱۱۲ تا ۱۱۷۵ هجری) چهارمین و آخرین پادشاه سلسله افشاریان.
- ^۵ به نظر می‌رسد «کنارگرد» در دوره زندیه به بخش‌های حومه‌ای اطلاق می‌شده و برخی از کارشناسان میراث فرهنگی بر این باورند کاروانسرای کنار گرد در بخش فشافویه حسن‌آباد شهرستان ری استان تهران که با شماره ۱۳۴۲ در فهرست آثار ملی ثبت‌شده نیز، متعلق به دوران زندیه است.
- ^۶ از سرداران عصر زندیه و فرمانده سپاه زندیه در جریان دستگیری تقی‌خان درانی.
- ^۷ از سرداران عصر زندیه.
- ^۸ آرامگاه باعظمت حضرت امامزاده زید(ع) در شهر شهداد کرمان قرار گرفته است. نسب شریف ایشان با هفت واسطه به امام ششم شیعیان حضرت امام صادق(ع) منتهی می‌شود.
- ^۹ گره قالی به دو نوع متقارن(ترکی) و نامتقارن(فارسی) تقسیم می‌شود. در برخی از نقاط ایران گره متقارن استفاده می‌شود و در سایر مناطق گره نامتقارن.
- ^{۱۰} نک. (میرزایی، ۱۳۸۸).
- ^{۱۱} یکی از اماکن متبرکه و مشهور کرمان امامزاده زید شهداد کرمان است. نسب امامزاده را به امام صادق(ع) می‌دانند، در داخل ضریح این مکان نوشته شده: امامزاده زید بن محمد بن الخارص بن محمد بن دیباج بن جعفر بن محمدالصادق.
- ^{۱۲} والتر هینتس (Walther Hinz)، ایران‌شناس آلمانی قرن بیستم میلادی که پژوهش‌های ارزنده‌ای در حوزه تاریخ، کتیبه‌شناسی و زبان‌شناسی انجام داد.
- ^{۱۳} حاج محمد فدایی کرمانی، از شعرای عصر زندیه، از این شاعر تنها در آتشکده آذر و برخی تذکرها نام‌برده شده و اطلاعات زیادی در دست نیست.

منابع

- Ahani, L., Vandshoari, A., Yaghouzbadeh, A. (2016). The study of Lyric Poetry in Qajar Pictorial Carpets (Case Study: Stories of Bahram Gür). *Glorp of Art (Jelve-Y Honar) Alzahra Scientific Quarterly Journal*, 7(2), 65-78. doi: 10.22051/ijh.2016.2127 (Text in Persian).
- Dā'ī-al-Eslām, M. A. (1985), *Nezam Dictionary*, (Vol. 4), (2nd ed.), Tehran: Danesh (Text in Persian).
- Danesh Yazdi, F. (2008). *Islamic Historical Inscription of Yazd City*, (5th ed.), Yazd: Sobhane Noor (Text in Persian).
- Ghaffari Kashani, A. (1990). *Golshan-E-Morad (Zand Period)*, Edited by Gholamreza Tabataba'i Majd, Tehran: Zarrin (Text in Persian).
- Hinz, W. (2010). *Reich Elam*, (2th ed.), Translated by Parviz Rajabi, Tehran: Mahi (Text in Persian).
- Kakavand, S., Mousavilar, A. (2016). Discovering the Implicit and Explicit Layers of the Text Inscription In Dedicated Carpet Of Zand Era, *The Monthly Scientific Journal of Bagh- E Nazar*, 13(40), 45-54 (Text in Persian).
- Mazhari Kermani, A. (2001). *Shahin-E-Kavir: Taghi Khan Dorani's Epic*, Kerman: Kerman Studies Center (Text in Persian).
- Mirza Abolghasemi, M. S. (2008). *Persian Inscriptions: 7th to 10th Century AH Buildings*, Tehran: Iranian Academy of the Arts (Text in Persian).
- Mirzaei, K. (2009). Inscriptions of Carpets as a Text, *Goljaam*, 5 (13), 123-140 (Text in Persian).
- Mousavi Nami Isfahani, M. S. (2011). *Tarikh Giti Gosha*, (5th ed.), Tehran: Eghbal (Text in Persian).
- Ruhfar, Z. (1995). Introducing a Devotion Carpet from the Collection of the National Museum of Iran, *Miras-E-Javidan (Endowment Quarterly)*, 3(9), 104-108 (Text in Persian).
- Sepehr, B. (2015). *Kerman during the Afsharid and Zand Periods*, Kerman: Farhang-E-Ammeh (Text in Persian).
- URLs:
<http://irannationalmuseum.ir/en/1397> دی ماه ۱۳۹۷
- URLs:
<http://irannationalmuseum.ir/en/2019>
- کرمان در دوره افشاریه و زندیه، کرمان: فرهنگ‌عامه.
- غفاری کاشانی، ابوالحسن (۱۳۶۹). *گلشن مراد (تاریخ زندیه)*، به اهتمام غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: زرین.
- آهنی، لاله؛ وند شعاری، علی و یعقوب زاده، آزاده (۱۳۹۴). بررسی ادبیات غنائی در فرش‌های تصویری دوره قاجار (مطالعه موردی: داستان‌های بهرام گور)، *جلوه هنر*، شماره ۱۴، ۶۵-۸۰.
- داعی الاسلام، سید محمدعلی (۱۳۶۴). *فرهنگ نظام*، جلد ۴، چ دوم، تهران: دانش.
- دانش یزدی، فاطمه (۱۳۸۷). *کتیبه‌های اسلامی شهر یزد*، چ پنجم، یزد: سبحان نور.
- روح فرح، زهره (۱۳۷۴). معرفی یک قالی وقفی از مجموعه موزه ملی ایران، *میراث جاویدان*، سال سوم، شماره ۹، ۱۰۴-۱۰۸.
- سپهر، بتول (۱۳۹۴). *کرمان در دوره افشاریه و زندیه*، کرمان: فرهنگ‌عامه.

Comparative Study of Endowment Carpet Inscriptions and Written Court Sources, with a Focus on Recognizing the Character of Taghi Khan Durrani, the Ruler of Kerman during Zandieh Era (1209-1163 AH)¹

S. Kakavand²

Received: 2019-07-04

Accepted: 2019-08-27

Abstract

The aim of this study was to study carpets as a historical document related to the personality of Taghi Khan Durrani. Many sources have studied the history of Kerman during the Zandieh Era and due to the importance of the Taghi Khan government; attention has also been paid to it. There are various approaches to his character among these sources. Some have paid to his good behavior and others to his moral vices. In order to conduct this research, the author faced significant contradictions in introducing the character of Taghi Khan Durrani, the ruler of Kerman in the Zandieh Era. Taghi Khan Durrani in the court sources of Zandieh Era is well known, in the history books of Kerman in a different way and the endowment carpet has a clear and different message. Therefore, the issue of research is to introduce the importance of carpets as a historical document with the example of Taghi Khan Durrani's character. Understanding the reason for the heterogeneity of opinions in recognizing the mentioned person in the endowment carpet and other sources is considered. The need to address such an issue is of historical importance and leads to the development of written sources of the Zandieh Era (1163-1209 AH), which have always been neglected. Therefore, the comparative study of resources with the approach of recognizing him as much as possible is the main goal of the research. In addition, this article aims to introduce the documentary function of carpet and text analysis. Woven endowed carpet of Zandieh Era is important to recognize the character of Taghi Khan Durrani and reminding the importance that in addition to paper documents, there is a woven document in the form of carpet and introduction of a new function. It has been written under the title of "Documentary" on one hand and adapting the written sources and understanding the divergence of approaches to the ruler of Kerman on the other hand. The carpet in question is one of the woven fragments of Kerman in the Zandieh Era, which is currently kept in the registration number 20294 in the National Museum of Iran. Data collection is done by the library method and is done with a descriptive, comparative and analytical approach. In addition, research is a type of documentary study. It seems that in addition to using and enriching the sense of aesthetics, carpets can also have a documentary function. Another hypothesis is that the character of Taghi Khan Durrani has a different reflection among the court texts, the history of Kerman and the inscription of the endowed carpet of Zandieh Era. The poem in the carpet inscription indicates the propaganda function. The present study seeks to answer the following questions with a comparative, historical and analytical approach:

Does the carpet in question have significant documentary information in recognizing the character of Taghi Khan Durrani? Does the weaver have a kind of propaganda function and play a documentary role in introducing the good behavior of donor? What are the reasons for the difference in the approach of court sources and the text of the carpet inscription in recognizing Taghi Khan? The required data were obtained using files and notes based on library studies and the description and analysis of the information was based on the author's assumptions. Recordings and writing obtained from the observations of the mentioned carpet form a major part of the text and are the basis of the conclusion.

In general, there is a contradiction in the views and personalities of Taghi Khan Durrani in the court sources of Zandieh's history and the endowment carpet. Most of the books that did not have a free prose and were commissioned by the court have introduced Taghi Khan as a rebellious person. The court clerks in each period did not adhere to a clear historiographical model, but rather focused on praising the king and gaining his approval. While the endowed carpet has a different look as a remained woven document. However, the endowed carpet is woven by the order of Taghi Khan and, like the historical texts of the court, is not empty of the praises of the ordering person. According to the poetic content of the endowment carpet inscription, Taghi Khan is an honorable, noble, brave and donor human being. Since various dimensions cause a deep insight, considering the approach of carpet inscription as a reflection of courtly features as the mirror of the vices of Taghi Khan Durrani, this makes the researcher deny the determinism of history. On the other hand, it seems that handmade fragment has had a promotional function as a mean of acceptance and popularity among people. In this research, an attempt was made to introduce a different function from the underlayment, wall hangings and other famous uses and arrangement of carpets. Inscribed carpets can be read by having textual information and reserves in the place of the first document. Regardless of the value, judgment, and knowledge of the good and bad traits of historical figures, knowing them and knowing their thoughts, actions, mistakes, and services has been very useful. There is no significant connection between this document and the history books of the Zandieh Era.

Keywords: Endowed Carpet Inscription, Zandiyeh, Taghi Khan Durrani, Written Court Sources.

¹DOI: 10.22051/jjh.2019.27065.1424

² Assistant Professor, Carpet Department, Faculty of Applied Arts, University of Art, Tehran, Iran (Corresponding Author).
s.kakavand@art.ac.ir